



فساد، زیاده‌روی و تنگنا محرک‌های اعتراضات جهانی

در سال ۲۰۲۵ اعتراضات ضددولتی سراسر خیابان‌های جهان از آفریقای سیاه گرفته تا شرق اروپا و جنوب‌شرق آسیا را دربرگرفت. اعتراضات جدید در بیش از ۷۰ کشور رخ دادند. از میان اعتراضاتی که در سایت ردیاب اعتراضات جهانی موسسه کارنگی به‌ثبت رسیده، ۲۷ مورد در کشورهایی رخ داده‌اند که با توجه به دسترسی مردم به حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی «تاجدی آزاد» دسته‌بندی شده‌اند، ۲۶ مورد در کشورهای «آزاد» و ۱۷ مورد در کشورهای «غیرآزاد». خشونت علیه فساد دولتی دلیل بزرگی از اعتراضات امسال به‌شمار می‌روند. دو محرک دیگر زیاده‌روی‌های غیردموکراتیک‌وتنگناهای اقتصادی بوده‌اند.

موارد خاصی از رسوایی‌های فساد یا اتهاماتی هم‌منجر به اعتراضاتی در چندین منطقه شده‌اند. در ماه مارس، اعتراضاتی در مقدونیه شمالی با هدف محکومیت فساد و رشوه‌خواری اقتصادی که منجر به آتش‌سوزی مرگبار در یک کلوب شبانه شد، رخ داد. بیش از ۴۵هزار نفر در اسپانیا در اعتراض به نخست‌وزیر اسپانیا، پدرو سانچز، به دلایل مختلف سیاسی و رسوایی‌های فساد حول دولتش، به خیابان‌ها آمدند. مسئله مرمن فساد در گامبیا معترضانی را که خواستار مسئولیت‌پذیری دولت بودند به خیابان‌ها کشاند. اعتراضات نسل زد در نپال که توجه رسانه‌ای ویژه‌ای را به‌خود جلب کردند نیز با مسائلی از جمله انتصابات فامیلی و فساد رخ داد که در نهایت منجر به استعفا کی پی شارما اولی، نخست‌وزیر نپال شد. در همان‌زمان، فیلیپین شاهد اعتراضات نسل زد علیه رسوایی فساد با مشارکت پروژه‌های کنترل سیل در این کشور بود.

دلیل دیگر اعتراضات مرتبط با فساد کمتر به رسوایی‌های خاص یا اتهامات بود و بیشتر به خشم عمومی نهفته و در حال جوش بر سر فساد و دیگر اشکال تخلف دولتی بود. اعتراضات مغولستان در ماه می در ابتدا در محکومیت هزینه‌های گزاف پسر نخست‌وزیر، لاوسنمسرین اوپون-اردین آغاز شد اما کم‌کم به جنبش ضدفساد گسترده‌تر و پرکناری اوپون-اردین تبدیل شد. در اندونزی، اعتراضات نسل زد علیه دستمزد بالای اعضای پارلمان تاحدی خشم دیرینه از ادراک فساد دولتی را دامن زد.

به‌طور مشابه در مراکش اعتراضات نسل زد با خشم از فساد مشتعل شد اما در اصل ریشه در استیصال مراکشی‌ها از هزینه‌های بی‌رویه دولت و قصور در خدمات دولتی داشت. در مکزیک، مرگ شهردار اوروپایان، کارلوس آلبرتو مانزو، منجر به اعتراضات سراسری علیه فساد و جرایم خشونت‌آمیز شد. اعتراضات ادامه‌دار در صربستان که در نوامبر ۲۰۲۴ پس از فرو ریختن سقف ایستگاه مترو آغاز شد، اعتراضات ضدفساد و سراسری را علیه دولت الکساندر ووچیچ به‌راه انداخت.

برخی از اعتراضات که در سال ۲۰۲۴ آغاز شد مومتوم خود را در سراسر ۲۰۲۵ حفظ کرد. اعتراضات ضدفساد در صربستان و اعتراضات نتایج انتخاباتی و الحاق به اتحادیه اروپا در گرجستان تقریباً روزانه از سال گذشته ادامه داشته است. اعتراضات در کشورهای دیگر مثل ترکیه علیه بازداشت اپوزیسیون، یا اعتراضات کشاورزان و اعتراض به توافقنامه تجاری اتحادیه اروپا و مرکوسور در فرانسه و بلژیک و اعتراض ارتدوکس‌های افراطی علیه خدمت سربازی اجباری در سراسر سال ۲۰۲۵ در واکنش به اقدامات عمده دولت به‌طور متناوب ادامه داشت.

برخی از ناظران با بهره‌گیری از موج اعتراضات جوانان در کشورهایی مانند اندونزی، نپال، فیلیپین، پرو، تیمور شرقی، ماداگاسکار، مراکش و مکزیک در ماه‌های پایانی سال ۲۰۲۵، ایده ظهور یک «جنبش نسل زد» جهانی را مطرح کرده‌اند. اگرچه این دسته از جنبش‌های اعتراضی به‌رهبری جوانان قابل توجه است، اما روند جدیدی نیست.

با نگاهی به گذشته، داده‌های «ردیاب اعتراضات جهانی» نشان می‌دهد که نرخ اعتراضات به رهبری جوانان بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ مشابه یا بیشتر از نرخ اعتراضات به رهبری جوانان در سال ۲۰۲۵ بوده است. به این ترتیب، اگرچه قابل توجه است که اعتراضات نسل زد در سال ۲۰۲۵ از یکدیگر الهام گرفته‌اند و تحت نمادهای مشترکی، مانند پرچم دزدان دریایی از انیمه ژاپنی «وان پیس» – متحد شده‌اند، اما هنوز مشخص نیست که آیا آنها با هم ترکیب می‌شوند و موجی از اعتراضات اساساً به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند یا خیر.



جهان‌بینی دولت دوم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، حالا روی کاغذ در اختیار جهان قرار گرفته است. اواخر روز پنجشنبه، دولت ترامپ با انتشار سندی ۲۹ صفحه‌ای موسوم به استراتژی امنیت ملی یا NSS، قواعد کلی و اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا را مشخص کرد. این سند، استراتژی آمریکا را به‌وضوح مطرح می‌کند؛ به عنوان مثال تمرکز بر نیمکره غربی و «خوانش ترامپی» از دکتترین مونرو. این سند به آنچه استراتژی آمریکا نیست، می‌پردازد: پیگیری مداوم هدف پس از جنگ سرد مبنی بر «سلطه دائمی آمریکا بر کل جهان» که این سند آن را «هدفی اساساً نامطلوب و غیرممکن» توصیف می‌کند. کارشناسان شورای اتلانتیک در گزارشی به این موضوع پرداخته‌اند که این استراتژی چه موضوعاتی را شامل می‌شود و چه موضوعاتی را از قلم می‌اندازد. آنها همچنین جامع‌ترین جمع‌بندی‌های کلیدی خود را ارائه کرده‌اند.

▼ جایی که استراتژی امنیت ملی موفق می‌شود و شکست می‌خورد

متیو کرونینگ مدیر مرکز استراتژی و امنیت اسکوکرافت شورای اتلانتیک



چالش واقعی پیش‌روی نویسندگان استراتژی امنیت ملی جدید ایالات متحده آمریکا، درحالی که ممکن است اینگونه به‌نظر نرسیده باشد، این بود که چگونه استراتژی بزرگ هشتادساله و پسا جنگ جهانی دوم که اکثراً موفقیت‌آمیز بوده را برای عصری جدید به‌روزرسانی کنند. بنابراین بزرگترین نقطه قوت استراتژی امنیت ملی جدید زمانی است که بر قواعد کلی گذشته همچنان پافشاری می‌کند و راه‌حل‌های جدید خلافانه‌ای را برای مشکلات جدید شناسایی می‌کند.

این استراتژی در حمایت قوی از بازآرندگی هسته‌ای و جلوگیری از تسلط قدرت‌های متخاصم بر مناطق مهم، سنتی است؛ خواستار ائتلاف‌های قوی در اروپا و ایندوپاسیفیک است که بخشی از آن از سوی متحدانی به‌دست می‌آید که برای دفاع از خود اقدامات بیشتر و همکاری بزرگتری در امنیت اقتصادی انجام می‌دهند. این سند دستیابی به شروط آزادتر و متصفانه‌تر برای تجارت جهانی و تعامل اقتصادی عمیق‌تر در اکثر مناطق جهان را اولویت‌بندی می‌کند.

این سند همچنین مجموعه‌ای از سیاست‌ها را برای رسیدگی به نقاط ضعف جهانی‌سازی (در مورد امنیت مرزی، احیای دوباره تولیدات داخلی و امثال آن) و با طرح دیدگاهی برای پیروزی آمریکا در رقابت تسلیحاتی فناوری جدید فراهم کرده و راه‌حل‌های خلافانه‌ای را برای چالش‌های جدید ترسیم کرده است.

این سند در جایی که قواعد کلی در گذشته کارکرد داشتند (مثل ترویج عملگراییه دموکراسی و حقوق بشر) و جایی که نمی‌تواند به‌وضوح چالش‌های جدید پیش‌روی کشور را شناسایی و رسیدگی کند (تهدید ناشی از اتوکراسی‌های تجدیدنظرطلب و پیوندهای میان آنها که باید توجه بسیار بیشتری به‌خود جلب می‌کرد) شکست می‌خورد.

▼ استراتژی امنیت ملی درک جدیدی از اهداف ترامپ در ونزوئلا ارائه می‌دهد

جیسون مارکز مدیر ارشد مرکز آدرین



آرشت آمریکای لاتین در شورای اتلانتیک استراتژی امنیت ملی جدید آمریکا واضح است: نیمکره غربی حالا اولویت اول ایالات

متحده آمریکا شده است. این یک تغییر بسیار دیرنگام و خوشایند است چون منافع آمریکا باید نزدیک به خانه باشد. این استراتژی آنچه را که تاکنون از اقدامات دولت ترامپ دیدیم روی کاغذ آورده از جمله اهداف توأمان «از دوستان خود سرباز بگیرد و توسعه دهد». این رویکرد از تلاش‌ها برای کنترل مهاجرت، توقف گسترش کارتل‌های مواد مخدر، کاهش نفوذ خارجی غیردوستانه و تضمین زنجیره‌های تامین مهم حمایت می‌کند. اما همچنین و مهم‌تر از آن شامل تشویق‌هایی برای موج‌های جدید سرمایه‌گذاری‌های ایالات متحده است چون اقتصاد داخلی قوی به نفع منافع آمریکا است.

اولویت‌هایی که در استراتژی ملی آمریکا مطرح شده، از منظر کلی با بسیاری از منافع کشورهای سراسر نیمکره غربی مثل رشد امنیتی و اقتصادی که نگرانی‌های اصلی رای‌دهندگان در انتخابات‌های اخیر بوده، هم‌راستا است. اشتیاق منطقه‌ای هم برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگتر آمریکا، به‌ویژه در زیرساخت‌هایی مانند ارتباط از راه دور، فناوری و بنادر، تمامی مواردی که به درجه مطلوب نرسیده‌اند، وجود دارد. این سند نقشه‌راهی برای دولت بزرگتر آمریکا فراهم می‌کند تا نقش خود را در بخش‌های مهم تقویت کند و بر نیاز به رویکرد کل دولت تأکید دارد.

این استراتژی بینشی به هدف نهایی دولت ترامپ در ونزوئلا ارائه می‌کند. کشوری که در آن ماوروو و دوستانش هم‌اکنون مأمنی برای جنایتکاران ایجاد کرده که از قاچاق سود می‌برند و از نفوذ دشمنان خارجی استقبال می‌کنند، تهدید مستقیمی برای امنیت ملی آمریکا به‌شمار می‌رود. بنابراین موفقیت در ونزوئلا به‌معنای ایجاد دولتی دموکراتیک است که شریک اصلی آمریکا به‌عنوان بخشی از هدف «گسترش» همکاری‌های ایالات متحده باشد و چرخش آمریکا به نیمکره غربی به‌عنوان بخشی از «خوانش ترامپ» از دکتترین مونرو همچنان نشان می‌دهد که اعزام دوباره نیروهای آمریکایی به کارائیب محدود به زمان نیست.

این استراتژی بینشی به هدف نهایی دولت ترامپ در ونزوئلا ارائه می‌کند. موفقیت در ونزوئلا به‌معنای ایجاد دولتی دموکراتیک است که شریک اصلی آمریکا به‌عنوان بخشی از هدف «گسترش» همکاری‌های ایالات متحده باشد و چرخش آمریکا به نیمکره غربی به‌عنوان بخشی از «خوانش ترامپ» از دکتترین مونرو همچنان نشان می‌دهد که اعزام دوباره نیروهای آمریکایی به کارائیب محدود به زمان نیست

استراتژی امنیت ملی جزئیات بیشتری از تلاش چندجانبه نیمکره‌ای برای مقابله با نفوذ قدرت‌های خارجی از جمله روسیه و به‌ویژه چین ارائه می‌دهد. این امر برای چین به معنای رسیدگی به ردیای فزاینده پکن در سراسر بخش‌های تجارت، سرمایه‌گذاری، دیپلماسی نرم، آموزش نظامی و غیره است. حالا بعد از این باید چه چیزی را بررسی کنیم؟ اولویت‌بندی اجرای آن چگونه خواهد بود و این استراتژی چگونه در سطح کشوری در سراسر نیمکره تفسیر می‌شود؟

▼ «خوانش ترامپی» از نیمکره غربی تمرکز منطقه‌ای بر جغرافیای استراتژیک است

الکساندر بی. گری از اعضای ارشد



غیرمقیم در ابتکار ژئواستراتژی در مرکز استراتژی و امنیت اسکوکرافت

استراتژی امنیت ملی ترامپ اصلاحیه‌ای به‌شدت مورد نیاز از دهه‌ها «استراتژی‌هایی» است که به‌واسطه شکست‌شان برای اجبار گزینه‌های سخت درباره اولویت‌ها و اختصاص منابع، ایالات متحده را به مفهوم بسیار گسترده از استراتژی ملی متهم می‌کند. این سند به‌طور قابل‌توجه و خوشایندی درباره اهداف اساسی ایالات متحده صادق است: تامین امنیت کشور که نیازمند امنیت در نیمکره غربی است و جلوگیری از اعمال نفوذ بدخواهانه دشمنان قدرت‌های بزرگ خارجی در این نیمکره. «خوانش ترامپی» از دکتترین مونرو که به‌دنبال تضمین دسترسی آمریکا به مکان‌های کلیدی نیمکره‌ای (مثل کانال پاناما، گرینلند و بیشتر کارائیب) است احتمالاً به‌عنوان یک بیانیه آشکار و قرن بیست‌ویکمی از تمرکز منطقه‌ای بی‌سابقه‌ای بر جغرافیای استراتژیک، نمود خواهد داشت. خوانش ترامپی پیامدهای واقعی امنیتی و اقتصادی را برای منافع و امنیت آمریکا در داخل به‌همراه خواهد داشت. این تمرکز استراتژیک احتمالاً اختصاص منابع جدیدی به اطلاعات، ارتش، اجرای قانون و برنامه‌های کشورداری اقتصادی متمرکز بر نیمکره را تشویق می‌کند.

انگیزه‌نامه دولت برای ایندوپاسیفیک با استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۱۷ سازگار است اما همچنین بازتابی است از تکامل واقعیت‌های ژئوپلیتیک. استراتژی ملی جدید بر تعهد آمریکا برای حفظ ایندوپاسیفیک آزاد و باز و تقویت شرکای منطقه‌ای و متحدان مقابل اقدامات زاینبخش چین تأکید می‌کند. این سند منطقه را به‌عنوان صحنه ضروری غیرنیمکره‌ای برای رقابت ژئوپلیتیک توصیف می‌کند. مهم‌تر از آن، این سند به دنبال ترسیم مرزی بین امنیت در نیمکره ما و بازدارندگی پکن به‌طور گسترده‌تر است. این امر واقعیتی دیرینه در رقابت آمریکا با چین را آشکار می‌کند: پکن به دنبال پرت کردن حواس ایالات متحده از حفظ وضع موجود در ایندوپاسیفیک با اجرای اقدامات خصمانه در نیمکره غربی است.

در آخر، استراتژی امنیت ملی جدید یادآور مفیدی از این

ارزیابی تحلیلگران اندیشکده شورای اتلانتیک

دستور

موضوع است که قدرت ملی آمریکا در چیزی بیش از توازن نظامی ریشه دارد. این استراتژی به‌وضوح بر نیاز به صنایع دفاع قوی و پایگاه تولید برای حفظ این توازن نظامی، در کنار برتری در فناوری‌هایی مثل هوش مصنوعی، کوانتوم و ابررایانه تأکید می‌کند. استراتژی امنیت ملی را باید به‌عنوان سندی محدودکننده درک کرد که به‌دنبال تعریفی دقیق‌تر از اهداف آمریکا در سطح جهانی است، در عین حال تعریف قدرت ملی آمریکا را در چپتی جامع‌تر بسط می‌دهد و بر اساس باور دیرینه ترامپ مبنی بر اینکه امنیت اقتصادی، امنیت ملی است، بنا شده است.

در مجموع این برنامه‌ریزی‌ها بازتابی از رویکرد هماهنگ و همه‌جانبه به حفظ قدرت ملی آمریکا در دهه‌های آینده است.

▼ اجتناب استراتژی امنیت ملی

از مقابله با اهداف کشورهای متخاصم با آمریکا

ترسا گوناو مدیر برنامه‌ها و عملیات‌ها و عضو ارشد مرکز استراتژی و امنیت اسکوکرافت



استراتژی امنیت ملی جدید الگوهای سیاسی کلیدی را در مجموعه‌ای از اولویت‌های اعلان‌شده دولت بیان می‌کند. اما همچنین درباره چگونگی و اینکه آیا ایالات متحده به تأثیری که متخاصمان همچنان بر تحقق اهداف استراتژی امنیت ملی خواهند داشت، پاسخی می‌دهد یا نه، چندین حفره استراتژیک باقی می‌گذارد. این استراتژی در مورد روسیه اشاره می‌کند که اروپا مسکورا یک تهدید موجودیتی می‌بیند اما هیچ راه‌حل معناداری برای تهدیدی که روسیه برای آمریکا در زمینه تحقق قدرت اقتصادی، قدرت نرم یا طرح‌ریزی نظامی، نه‌فقط در اروپا بلکه در سراسر جهان ایجاد می‌کند، ارائه نمی‌کند. آمریکا بیشتر به‌عنوان میانجی بین روسیه و اروپا عمل می‌کند تا هدف تقریباً منحصر تمرکز روسیه بر مقابله با نفوذ و قدرتمایی آمریکا باشد. تمرکز این استراتژی بر آفریقا مورد استقبال قرار گرفته اما هیچ ادعانی از اینکه روسیه و چین همچنان به سمت مخالفت با تقریباً تمام اهداف آمریکا در قاره پیش می‌روند، وجود ندارد.

این استراتژی نقش ایران به‌عنوان یکی از عوامل بزرگ بی‌ثبات‌کننده را تأیید می‌کند اما مشکل تهران عمدتاً به‌عنوان مشکلی قدیمی کنار گذاشته شده است. باید امیدوار باشیم که موضوع همین است. با این حال، خاورمیانه به‌طور پیوسته به دولت‌های متوالی آمریکا نشان داده که آمریکا باید همیشه در این منطقه رنگ به‌گوش باشد. نفوذ ایران در لبنان، سوریه، یمن، عراق، غزه و فراتر از آن باید هم‌زمان با اهداف منطقه‌ای متمرکز بر سرمایه‌گذاری از نزدیک تحت‌نظر باشد. به‌طور مشابه، با اینکه نام کره شمالی در این استراتژی نیست با این حال پیوند پانک مطمئناً طرح‌هایی برای جلب توجه جهانی در سه سال آینده خواهد داشت.